

### متن پرسش

باسلام خدمت استادگرامی من از نظری ذهنی واقعا دچارمشکل هستم نمیتوانم یک سری افکار را از خودم دور کنم مخصوصا مسائلی را که راجع به شوهرم باشد مثلا مادر ایشان زنگ میزند و واسه زندگی ما تعیین تکلیف میکند که فلان کارو بکنیدو.. من تا چند روز ذهنم درگیره اصلا وجود مادرشوهرم برام عذاب شده باهرزنگی که میزنه ذهنم بهم میریزه و هزار راه میره البته این قضیه با زمینه قبلی است و مادرشوهرم یک بار با اعمال و رفتارش و خط دادن به شوهرم زندگی ما را تا پای طلاق برد الان هم انگار نه انگار من وجود دارم و فقط بی محلی میکنند و تیکه میاندازند واقعا باید چه کنم؟ گاهی خیلی خسته میشوم و ارزوی مرگ اورا میکنم خاهش میکنم به هیچ وجه سوال من را در بخش پرسش های عمومی قرار ندهید بازم تاکید میکنم این سوال کاملا خصوصی است باتشکر

### متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: (برای خودش) به ما دستور داده‌اند: «إِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا» چون با امور لغو و غیر الهی روبه‌رو شدید با بزرگواری از آن بگذرید. پیشنهاد می‌کنم دعای مکارم‌الأخلاق را مطالعه فرمایید. بنده هم شرحی بر آن دارم بد نیست آن را هم مطالعه فرمایید. موفق باشید